

## نارساییها و دشواریهای الفبا

در گذشته های دور ، مردمان سرزمین ما در گفتار و نوشتار خویش از زبان و رسم الخط پهلوی بهره میبردند . پس از ورود آیین اسلام ، که مردمان این خطه به کیش جدید گرویده بودند ، کاربرد رسم الخط و زبان پهلوی را - که زبان زردشتیان ساکن این مرزوبوم بود - مکروه پنداشته و در اندیشه ی زبان دری و رسم الخط عربی افتادند .

از سوی دیگر رسم الخط پهلوی ، که متشکل از بیست و پنج حرف بود ، و ریشه در رسم الخط ( آرامی ) داشت ، نارساییهایی را در درازنای زمانه ها به دوش کشیده بود ، که یکی ازان جمله عدم موجودیت برخی از سمبولهای صوتی مهم بود و این خود ، همسویی گفتار و نوشتار را به دشواری کشانیده بود .

پس انگیزه های یادشده با عواملی دیگر - که ذکر آن در اینجا میسر نیست - دست به دست هم دادند و زمینه را چنان فراهم آوردند که الفبای پهلوی جای خویش را به الفبای عربی بخشیده و خود به فراسوی دیواره های دیارتاریخ کوچید ؛ مگر دریغ که دشواریهای پیشین ما با این دیگرگونی ، بازهم از میان نرفت و به شکلی دیگر تا هنوز ادامه یافت .

با ورود الفبای عربی به حریم نوشتار ما ، چهار حرف ( پ ، چ ، ژ ، گ ) - که نمودارهای صوتی ویژه ی زبان ما به شمار میروند - در گروه حروف الفبای عربی علاوه شد و همزه ( به شکل { ء } آن ) ، از فهرست حروف الفبا حذف گردید .

بدینگونه الفبای آراسته و پیراسته ی پارسی دری ، با شکل و شمایل و چهره ی عربی ، در حریم زبان و ادبیات نوشتاری ما ، اجازه نامه ی اقامت دایم یافت و سپس در درازنای سده

های پی درپی ، بر عرصه ی نوشتاری زبان و ادبیات ما فرمانروایی کرد . حروف زیرین ،  
الفبای یادشده را تشکیل میدهد :

ا - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س -  
ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م -  
ن - و - ه - ی .

دانشمندان ، این حروف را به سه دسته تقسیم نموده اند :

- ۱ - حروف ویژه ی زبان پارسی دری : که شامل حروف ( پ ، چ ، ژ ، گ ) میشود .
- ۲ - حروف ویژه ی زبان عربی : که شامل حروف ( ث - ح - ص - ض - ط - ظ - ع )<sup>(۱)</sup> میشود .
- ۳ - حروف مشترک : که بقیه حروف الفبا را دربرمیگیرد .

## نشانه های حرکات و سکنات

برای نشان دادن حرکات ، سکنات و دیگر ویژگیهای صوتی حروف ، معمولاً نشانه های  
زیرین به کار گرفته میشود . که از جمله ، سه نشانه ی نخستین را به نام مصوتهای کوتاه نیز  
یاد میکنند .

- ۱ - زبر { َ } ؛ مانند : sa/r .
- ۲ - زیر { ِ } ؛ مانند : ge/l .
- ۳ - پیش { ُ } ؛ مانند : po/r .

---

<sup>(۱)</sup> دانشمندان ایرانی ، حرف ( ق ) را در فهرست حروف ویژه ی عربی علاوه نموده اند ؛ زیرا در سرزمین ایران این حرف  
با همان صدای ویژه ی خودش تلفظ نمیشود ؛ مثلاً به ( قرآن ) میگویند : ( قرآن ) و ( قبیلہ ) را ( غبیلہ ) تلفظ  
میکنند ؛ اما در تاجکستان و افغانستان ( جز از لهجه ی هراتی ) ، این حرف را با همان صدای ویژه ی خودش تلفظ  
میکنند و مثلاً ( قرآن ) و ( قیماق ) را با همان صدایی تلفظ میکنند که عربها و ترکها آن را تلفظ مینمایند . پس این  
حرف ( ق ) باید جزء فهرست ( حروف مشترک ) باشد ، نه جزء حروف ویژه ی عربی .

۴ - سکون { ْ } : علامتی است شبیه به دایره و یا نیم دایره ی کوچک که به منظور نشان دادن بیحرکتی ، بر روی حرف ساکن میگذارند .

۵ - تشدید { ّ } : این نشانه معمولاً در تلفظ و نوشتار واژه های عربی به کار گرفته میشود .  
قاعده ی تشدید چنان است که اگر یک حرف دوبار پهلوی هم قرار گیرد ، در صورتی که اولی ساکن و دومی متحرک باشد ، پس یکی را در دیگری ادغام یا داخل نموده و بر روی آن علامتی میگذارند ، که همان علامت تشدید { ّ } است . این علامت ، نشانه ی آنست که آن حرف ، نسبت به حروف دیگر ، باید اندکی باشدت و فشار بیشتر تلفظ شود . چون در اصل ازدو حرف همگون تشکیل شده است . احتمالاً واژه هایی ازین گونه ، سبب پیدایش تشدید شده اند :

♦ با نشانه ی زبر : مخمـمـس mo/xa/m/ma/s ( مخمّس ) و مجسـمـم mo/ja/s/sa/m ( مجسّم )

♦ با نشانه ی زیر : مفتـتش mo/fa/t/te/s و مخربـب mo/xa/r/re/b ( مخرّب )

♦ با نشانه ی پیش : تفکـکر ta/fa/k/ko/r ( تفکّر ) و تقرّبـب ta/qa/r/ro/b ( تقرّب )

۶ - تنوین { ً ّ ٌ } : تنوین ، نون ساکنی است که در پایان اسمای عربی درمیاید و تلفظ میشود ؛ اما نشانه ی صدای ( ن ) نوشته نمیشود ؛ مانند : صراحاً ، مجازاً ، اصطلاحاً و . . .  
تنوین سه نوع است :

تنوین نصب ؛ مانند : شرعاً و عرفاً ، که درین صورت ، نشانه ی دو زبر { ّ } را بر بالای نشانه ی ( الف ) مینویسند و آن را ( ن ) تلفظ میکنند .

تنوین جر ؛ مانند : علی و شیء ، که درین صورت ، نشانه ی دو زیر { ِ } را در قسمت زیرین حرف پایانی واژه نوشته و باهم آن را ( ن ) تلفظ میکنند .

تنوین رفع ؛ مانند : خبیر و قاسم ، که درین صورت ، نشانه ی دو پیش { ً } بر سر حرف پایانی واژه نوشته و آن را ( ن ) تلفظ میکنند .

در زبان دری ، بیشتر تنوین نصب مورد استفاده دارد و کاربرد تنوین ( جر و رفع ) بسیار به ندرت صورت میگیرد .

به هر حال ؛ با یاد آنچه در بالا خواندیم ، میپردازیم به شمارش جداگانه ی هریک از موارد نارساییهای این الفبا و دشواریها و نابسامانیهایی که از اثر آن در ساحات گوناگون گفتار و نوشتار ما پدید آمده است .

## ۱ - حذف نشانه های حرکت و سکون

نشانه های زبر ، زیر و پیش را - که به عنوان مصوت‌های کوتاه نیز شناخته میشوند - همراه با نشانه های ساکن و تشدید ، هنگام نوشتن حذف میکنند ؛ زیرا این نشانه ها از جمله ی اعضای اصلی ساختمان الفبا به شمار نمی‌آیند . پس عدم موجودیت این نشانه ها در نوشتار ، تلفظ درست واژه ها را به دشواری مواجه ساخته ، در ضمن مشکلات فراوان املائی را به بار می‌آورد . به گونه ی نمونه ، بیت زیرین را مدنظر میگیریم ، که خوانش آن در نخستین برخورد ، نه تنها نوآغازان که حتی کارآزمودگان را نیز به آشفتگی وامیدارد :

**بتابستان تومستان می زمستان**

**بتابستان زمستان می زمستان**

اگر نشانه های حرکات و سکونات این بیت را همراهی میکردند ، آن را به سادگی چنین میخواندیم :

**ba tàbestàn tu mastàn may ze mastàn  
botà bestàn zamestàn may ze mastàn**

در زبانهایی که حروف لاتین را به منظور نوشتن به کار میگیرند ، این گونه مشکلات وجود ندارد ؛ زیرا مصوت‌های آن ، گاهی به حیث سمبول صوتی عمل میکند و گاهی به حیث نشانه ی حرکت . مثلاً میتوان گفت که در زبان فرانسوی هفت حرف صدادار وجود دارد که اینها اینند : a - e - i - o - u - h - y و در زبان انگلیسی ، دو حرف آن ( y و h ) را حذف

نموده ، تعداد آن را به پنج رسانیده اند . ( در زبان انگلیسی گاهی حرف ( h ) نیز میتواند مصوت باشد ) .

این حرفها در نمونه های زیرین به حیث یک حرف مستقل عمل میکنند :

Avoir , Érable , Isabelle , Obélisque , Uranométrie , Ypréau

و باز همین حرفها در نمونه های زیرین ، نه حرف مستقل ، که نشانه ی حرکت اند :  
Défendable , Engagement , Discrétoire , Bouche , Ouvrir , Beylicat

الفبای ما نیز سه حرف ( ا ، و ، ی ) را به عنوان مصوتهای بلند درخویش جا داده است ؛ اما این مصوتهها به جز از چند مورد محدود ، که وظیفه ی نشانه بخشیدن به حرکات برخی از حروف را به دوش میگیرند ، بیشتر به عنوان حروف مستقل یا به گونه ی صامتها عمل میکنند ؛ اما در سایر موارد دیگر ، نشانه بخشی به حرکات حروف دیگر را میگذارند به دوش مصوتههای کوتاه ( زبر ، زیر و پیش ) ، آنهایی که خود در نوشتار درنمیایند . اینجاست که دیده میشود کمبود آنها راه را چنان باز میگذارد که میتوان یک واژه را به چندین گونه تلفظ کرد . به عنوان مثال میتوان از واژه ی ( مهر ) یاد کرد ، که در غیابت نشانه های یادشده ، میتوان آن را به ( ۳۹ ) شکل مختلف تلفظ کرد ؛ بدینگونه :

mahr , mahar , maher , mahor , mahhar , mahher , mahhor , maharr ,  
maherr , mahorr , mahharr , mahherr , mahhorr ,  
mehr , mehar , meher , mehor , mehhar , mehher , mehhor , meharr ,  
meherr , mehorr , mehhar , mehher , mehhor ,  
mohr , mohar , moher , mohor , mohhar , mohher , mohhor , moharr  
moherr , mohorr , mohhar , mohherr , mohhor .

## ۲ - عدم موجودیت نشانه‌ها برای برخی ازمصوتها

علاوه بر نشانه‌های حرکت و سکون - که هم هستند و هم نیستند - ما در زبان نوشتاری خویش به چند نشانه‌ی مصوت دیگر نیز نیاز داریم. آنهایی که در مکالمه و گفتار وجود دارند؛ اما نشانه‌ی بی برای آنها نداریم.<sup>(۱)</sup>

کمبود آن نشانه‌ها را در نمونه‌های زیرین میتوان به خوبی مشاهده نمود:

۱ - آ { a } در واژه‌هایی؛ مانند: آمد /ma/d و آتش /ta/s.

۲ - ای { ei } در واژه‌هایی؛ مانند: شیر /ei/r (همان مایع سپید رنگ و نوشیدنی معروف) و پیر /ei/r.

۳ - ای { ea } در واژه‌هایی؛ مانند: شیر /ea/r (همان حیوان معروف که در جنگل زندگی میکند) و دیر /ea/r.

هرچند برای نشانه‌ی صوت (آ { a })<sup>(۲)</sup>، رساله‌ی روش املا‌ی زبان دری، چاپ کابل، ۱۳۶۳، تجویز نموده بود که حرف (آ) به عنوان نشانه‌ی صوتی { a } به حیث نخستین حرف در فهرست الفبا علاوه شود؛ اما با آن که ازین نشانه - به همین شکل و صورت { آ } - درهمه جا استفاده میکنیم؛ مگر آن را رسماً به حیث یک حرف نمیشناسیم. بناءً سالهاست که تجویز رساله‌ی روش املا‌ی زبان دری، صرف در حد (توصیه) باقی مانده و پس از آن در هیچ جایی جامه‌ی عمل نپوشید.

## ۳ - تعدد موارد نوشتاری مصوتها:

گفتیم که الفبای ما سه حرف (ا، و، ی) را به عنوان مصوت‌های بلند در خویش جا داده است؛ اما تعدد موارد نوشتاری این مصوتها، به جای آن که سهولتی در تلفظ و نوشتار

<sup>(۱)</sup> چون این مبحث خیلی مفصل، مشروح و دنباله دار است، بناءً در اینجا به ذکر مختصری از آن اکتفا میکنیم و شرح و تفصیل آن را در صفحات بعدی همین کتاب ادامه خواهیم داد.

<sup>(۲)</sup> در مورد نشانه‌های صوتی { a } و { a } ملاحظاتی وجود دارد، که آن را نیز در جایش به بحث خواهیم گرفت.

فراهم آورد ، ( پیچ در پیچ و خم اندر خم هر کوجه نفاق ) میپراگند و خواندن و نوشتن را به دشواری میکشاند ؛ به گونه ی نمونه :

موارد نوشتاری ( الف ) را میتوان چنین خلاصه کرد :

۱ - نشانه ی ( الف ) را برای نشان دادن صدای فتحه یا زبر { َ } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ همچون : اشک **âa/s/k** و انگور **âa/n/go/u/r**

۲ - نشانه ی ( الف ) را برای نشان دادن صدای کسره یا زیر { ِ } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ همچون : انسان **âe/n/sà/n** و اقبال **âe/q/bà/l**

۳ - نشانه ی ( الف ) را برای نشان دادن صدای ضمه یا پیش { ُ } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ همچون : افتادن **âo/f/tà/da/n** و اروپا **âo/ro/u/pà**

۴ - نشانه ی ( الف ) را با علاوه نمودن نشانه ی مدعربی ، برای نشان دادن صدای آ ( آ ) { ââ } به کار میبریم ، در واژه هایی ؛ همچون : آتش **ââ/ta/s** و آستین **ââ/s/te/i/n**

تعدد موارد نوشتاری ( واو ) نیز بر مشکلات قبلی افزوده است . بدین شرح :

۱ - نشانه ی ( واو ) را برای نشان دادن ضمه یا پیش { ُ } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ مانند : خوراک **xo/rà/k** و خوردن **xo/r/da/n**

۲ - نشانه ی ( واو ) را برای نشان دادن مصوت اُووووو { u } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ مانند : تربوز **ta/r/bo/u/z** و پوز **po/u/z**

۳ - واو غیر ملفوظ ، در واژه هایی ؛ مانند : خواستن **xà/s/ta/n** و خواهر **xà/ha/r**

تعدد موارد نوشتاری ( ی ) نیز ازین پراگندگی مستثنی نیست . بدین ترتیب :

۱ - نشانه ی ( ی ) را برای نشان دادن مصوت ای { i } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ مانند : فیل **fe/i/l** و پیر **pe/i/r**

۲ - نشانه ی ( ی ) را برای نشان دادن حرف صامت ( ی ) به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ مانند : **yà/wa** و **yà/r**

۳ - نشانه ی ( ی ) را برای نشان دادن مصوت ای { ea } به کار میگیریم ، در واژه هایی ؛ مانند : **be/a/l** و **še/a/r** ( همان حیوان معروف که در جنگل زندگی میکند )

۴ - الف مقصوره به شکل ( ی ) ، که در پایان برخی از اسمای عربی نوشته میشود ؛ اما ( الف ) تلفظ میشود ؛ مانند : **mo/s/ta/fà** مصطفی و **mo/u/sà** موسی

## ۱۴ - اختلاف صداها و نشانه ها در مصوت‌های بلند :

عمده ترین مشکلاتی را که الفبای ما با خود حمل میکند ، مربوط میشود به مصوت‌های بلند ، یا همان ( ا ، و ، ی ) ؛ که اینک جهت درک بهتر ، هریک شان را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار میدهیم :

### مشکلات ( همزه و الف ) :

الف هیچگاه حرکت پذیر نیست . پس نشانه های زبر { \_ } ، زیر { \_ } و پیش { \_ } نمیتوانند برای ( الف ) تعیین حرکت کنند . از همین سبب است که این حرف ، همیشه در میان یا پایان واژه قرار میگیرد و هیچگاه نمیتواند در آغاز کلمه ظاهر شود .

این قاعده ی دستور زبان عربیست که مستقیماً ازان زبان گرفته شده و بر زبان ما تطبیق گردیده است . پس نشانه یی که در آغاز واژه هایی ؛ چون : ابر ، انسان ، اتاق و ... مینویسیم ، همزه است که به شکل الف نوشته میشود .

ازین تعریف برمیاید ، که ما یکی ( الف ) داریم و چیز دیگری به نام ( همزه ) ؛ اما برای دومی ، نشانه ی مستقلی در فهرست الفبای خویش نداریم و ناچاریم نشانه ی ( الف ) را - که همان خط کشیده و راست است - بنا بر ضرورت ، گاهی ( الف ) بنامیم و گاهی همزه .

بنا به حکم قاعده یی که ذکر آن رفت ، نشانه یی که در آغاز واژه هایی ؛ چون : احمد ، اطمینان ، استوانه و ... مینویسیم ، همزه است که به شکل الف نوشته میشود . خود عربها این واژه ها را چنین مینویسند :



{ ء } . و نشانه یی که در آغاز کلمه به شکل ( الف ) در بالا یا زیر همزه قرار گرفته است ، آن را ( « کرسی همزه » = چوکی یا صندلی همزه ) مینامند ، نه ( الف ) و نه ( همزه ) . پس ، با این اختلافات شکلی همزه و الف ، ما حق داریم که در شناخت شکلی آن دچار تردید گردیم ؛ زیرا اگر واژه های احمد ، اطمینان و استوانه با همزه آغاز یافته اند ، پس ( الف = ا ) چه شکلی دارد و اگر اینها با ( الف ) آغاز یافته اند ، پس چرا باید آن را ( همزه = ء ) نامید ؟ زیرا در واژه های احمد ، اطمینان ، استوانه و امثال آن ، ما شکل ( الف ) را میبینیم نه شکل همزه را .

از سوی دیگر ، تعداد بیشماری از واژه های همزه دار عربی در زبان ما راه یافته اند ، که در آنها ، ما شکل ( ء ) ی عربی را میبینیم ؛ مثلاً در: مؤسسه ، رئیس ، ارائه ، لئیم و . . . . با آن که همزه ی این واژه ها - با چنان ثقلتی که خود عربها آن را تلفظ میکنند - در زبان ما تلفظ نمیشود ؛ اما نماینده ی صدای آن را - که همان همزه به شکل عربی آنست - در نوشتار خود به کار میبریم . در کنار آن ناچاریم دستورهای شانزده گانه ی درست نویسی آن را بیاموزیم ، که این خود از یکسو خواندن و نوشتن را مشکل میسازد و از سوی دیگر دشواریهایی را فرا راه آموزش میگذراند .

## نشانه های الف :

بانظر داشت حالات مختلف صدایی و شکلی، ( الف ) را میتوان به انواع زیر تقسیم کرد :

### الف ممدوده :

همان ( الف ) معروف ، با قدی کشیده و راست ( ا ) ، که در واژه هایی ؛ چون : **یار** ، **کنار** ، **مهتاب** ، **آبشار** ، **گناه** ، **جدا** ، **فردا** و . . . به کار میبریم .

### الف مقصوره :

نوع دیگریست از ( الف ) ، که ما آن را الف مقصوره مینامیم . و آن همان نشانه ی ( ی ) است ، که در پایان واژه های عربی نوشته میشود ؛ اما ( آ = à ) خوانده میشود . در واژه های : **حتی** ، **الی** ، **عیسی** ، **موسی** ، **مرتضی** ، **مصطفی** و . . . .

## الف مستوره :

اصطلاح ( الف مستوره یا الف پوشیده ) در کتابهای دستوری زبان ما هیچگاه نیامده است و این نخستین بار است که این اصطلاح در همین مقال و همین کتاب به کار گرفته میشود .

منظور از الف پوشیده ، همان الفی است که با وصف موجودیت صدای آن هنگام تلفظ ، در نوشته درنمیآید و خود را مستور و پوشیده نگاه میدارد . نمونه های آن را در واژه هایی ؛ همچون : اسمعیل ، رحمن ، اسحق و . . . به خوبی میتوان مشاهده نمود ، که دراصل باید به شکل اسماعیل ، رحمان ، اسحاق و . . . نوشته شوند ؛ اما در واژه های یادشده ، ( الف ) با آن که در تلفظ هست ، در نوشتار آن را مینویسند و درواژه به شکل پوشیده باقی میماند . این گونه واژه ها نوع دیگری هم دارند ، که در آنها به جای نشانه ی ( الف ) ، واو ( و ) مینویسند ؛ مانند :<sup>(۱)</sup> و . . . که دراصل باید مشکلات ، زکات ، حیات ، صلوات و . . . نوشته شوند .

---

<sup>(۱)</sup> نوشتن واژه های اسماعیل ، رحمان ، اسحاق و . . . بدون الف به شکل اسمعیل ، رحمن ، اسحق و . . . و یا نوشتن و . . . که در آنها ( و ) به جای ( الف ) به کار برده میشود ، نوعی از بیماری نوشتاریست که از غلط نویسان زبان عربی به زبان ما راه یافته است ؛ زیرا در نظام دستوری زبان عربی ، قاعده یی وجود دارد که میگوید : (( . . . )) یعنی : دونوع خط است ، که نمیتوان ( خط های دیگر را ) بدانها قیاس نمود : یکی خط مصحف عثمانی ( قرآن کریم ) و دیگری خط عروضیان ( آنانی که علم عروض میدانند ) . در زبان عربی امروز - نظر به حکم این قاعده - از نمونه های ( مصحف عثمانی ) پیروی نمیشود ؛ زیرا قرآن کریم در روزگار حضرت عثمان بنا بر قواعد دستوری همان روزگار به نوشته درآمده بود و احکام دستوری آن عصر ، ، نوشتن با چنان روشی را ایجاب میکرد ؛ ولی امروز نظر به دلایل دینی و تاریخی نمیتوان در شیوه های دستوری نوشتار آن تغییری وارد نمود . بناءً در زبان نوشتاری امروزین عربی ، به جز آنجا که نقل قولی از قرآن کریم صورت گیرد ، دیگر همه جا آن را مطابق به قواعد دستور زبان عربی ، به شکل

و . . . پس

و . . . مینویسند ، نه

نوشتن واژه های یادشده با حذف ( الف ) یا به کاربردن ( و ) به جای ( الف ) چه در زبان عربی و چه در زبان ما ، خلاف دستور است و جداً باید از آن پرهیز نمود .

با نظر داشت آنچه گفته آمدیم ، دیده میشود که در موارد مختلف، صدا و نشانه ی ( الف ) باهم  
سرسازگاری ندارد ؛ چنانچه در نمونه های زیر:

- ۱ - نشانه ی ( الف ) را در جای خودش به کار میبریم ؛ مانند : زیبا ، همانجا و ناچار .
- ۲ - نشانه ی ( الف ) را به جای همزه مینویسیم ؛ مانند : افغانستان ، ایران و اتریش .
- ۳ - نشانه ی ( الف ) را با علاوه نمودن نشانه ی ( مَد ) عربی ( آ ) ، گاهی به جای الف  
مینشانیم و گاهی به جای همزه ؛ مانند : جلالتمآب ، مآل ، آشنا و آزمایش .

و در نمونه های زیرین ، آنجا که صدا متعلق به ( الف ) است ، از نشانه ی آن خبری نیست :

- ۱ - در برخی از واژه های عربی ، که با ( الف مقصوره ) ختم میشوند ، نشانه ی ( ی ) درجایی  
مینشیند ، که صدا متعلق به ( الف ) است و اصولاً آنجا باید نشانه ی ( الف ) به کار گرفته شود  
؛ مانند : اولی ، ادنی و آخری .
- ۲ - در نمونه ی دیگری از واژه های عربی ، باز هم صدا از ( الف ) است ؛ اما این بار ( و ) به  
جای ( الف ) نشسته است ؛ مانند :  
..... و
- ۳ - در نمونه های زیرین ، با آن که صدای ( الف ) وجود دارد و دقیقاً تلفظ میشود ؛ اما از  
نشانه ی آن خبری نیست : اسم-عیل ، رحم-ن ، ابر-هیم ، اسح-ق و .....<sup>(۱)</sup>

## ( واو ) و مشکلات آن :

### انواع ( و ) از نظر نوعیت تلفظ :

( و ) در زبان دری ، از نظر نوعیت تلفظ ، به دو دسته تقسیم میشود :

---

<sup>(۱)</sup> در دو مورد آخرین ، با تذکر صورت درست نوشتاری واژه ها ، خاطر نشان ساختیم که این بلا را غلط نویسان زبان  
خودما بر سر این واژه ها آورده اند ، و به هیچ وجه مشکل از نارسایی الفبا نیست ؛ اما چه باید کرد که این خود از جمله ی  
غلط های مشهور است و بسیاری آن را به همین شکل مینویسند .

۱ - واو ملفوظ : در اکثر کتابهای دستوری ، این ( و ) را ( واو معروف ) نامیده و تعریفات و مثالهایی جهت توضیح آن آورده اند ، که مفهوم و معنای همه ی آنها کمابیش در تعریف زیر خلاصه شده است :

واو معروف : آنست که به صورت ( u ) کشیده تلفظ میشود ؛ مانند : **موش** ، **کدو** ، **بوریا** ، **پولاد** ، **هوشیار** و **جاسوس** .

این تعریف - با نظر داشت نوعیت صدا و مثالهای ارائه شده برای آن - صرف یک نوع ( و ) را زیر پوشش خود قرار میدهد و شامل صداهای دیگر آن نمیشود . پس اگر قرار باشد این تعریف را به همین شکل بپذیریم ، مشکل صداهای دیگر ( و ) در واژه هایی ؛ مانند : وطن ، ویرایش ، گوهر ، گاو ، وارسته و . . . چه میشود و این واوها چه نام یا نامهای دیگری دارند ؟  
بناءً این واو را باید ( واو ملفوظ ) نامیده و چنین تعریفش نمود : ( واو ملفوظ ) واویست که هم تلفظ میشود و هم نوشته میشود ؛ مانند : **وجب** ، **سیاوش** ، **قوی** ، **وجدان** ، **شوهر** ، **گاو** ، **واسطه** ، **دیو** ، **جاسوس** ، **سوگوار** و . . . .

## ۲ - واو غیر ملفوظ :

این ( و ) ، که در اکثر کتابها به نام ( واو مجهول ) آمده است ، همان مشکل قبلی را دارد . پس باید آن را چنین تعریف کرد :

واو غیر ملفوظ ، واویست که در تلفظ در نمیاید ؛ اما نشانه ی آن ( و ) نوشته میشود ؛  
مانند : **خواهر** ، **خویش** ، **خواجه** و **خوردن** . که ( **خاهر** ) ، ( **خیش** ) ، ( **خاجه** ) و ( **خُردن** ) تلفظ میشوند .

همچنان صدای ( و ) در زبان ما دارای همین یک نشانه است ، که مانند ( های ملفوظ و های غیر ملفوظ ) مشکلاتی را در عرصه ی نوشتاری پدید آورده است . به ویژه تفکیک ( واو ملفوظ ) و ( واو غیر ملفوظ ) از روی نوشته ، برای نوآغازان به سادگی مقدور نیست .

## مشکلات ( ی ) :

( ی ) در زبان دری ، از نظر نوعیت تلفظ ، به دو دسته تقسیم میشود :

### ۱ - یای معروف :

آنست که به صورت ( ei ) ثقیل و کشیده تلفظ میشود ؛ مانند : زنجیر *za/n/je/i/r* ، زندگی *ze/n/da/ge/i* ، تدبیر *ta/d/be/i/r* ، موسیقی *mu/se/i/qe/i* و دوستی *d/o/u/s/t/e/i* .

### ۲ - یای مجهول :

آنست که به صورت ( ea ) خفیف تلفظ میشود ؛ مانند : شمشیر *ša/m/še/a/r* ، بیل *be/a/l* ، مردی *ma/r/de/a* ، ریزش *re/a/ze/š* و زیر *ze/a/r* .

## نشانه ی ( ی ) :

بانظر داشت تعدد صداهای ( ی ) - چه در حالت ترکیب و چه در حالت انفرادی - ، باید گفت که متأسفانه الفبای ما ، صرف همین یک نشانه را دارد ، که به چهار شکل نوشتاری ( ی ، یی ، یی ، ی ) در آغاز ، میان و پایان واژه و به صورت مستقل به کار گرفته میشود . هر چند نشانه های نامریی ( فتحه ، کسره ، ضمه ) و ( همزه ) در نوشتار ، میتواند در بسیاری از گونه های تلفظ این خلارا پر کند ؛ اما جاهای دیگری هم هست که تطابق گفته ها و نوشته های ما را از به کارگیری یک نشانه برای چند صدا و طرز تلفظ به سوی عدم هماهنگی کشانیده و دشواری را در خوانش آن پدید میآورد . مثال بارزان همان کاربرد یک نشانه برای دو طرز تلفظ ( یای معروف ) و ( یای مجهول ) است . اگر کسی بنویسد ( شیر ) ، آیا این واژه را ( شیر: به معنای حیوان درنده ) بخوانیم و یا ( شیر: به معنای همان نوشیدنی سفیدرنگ ) ؟ و یا مثلاً اگر واژه ی ( سیر ) را در نوشته یی ببینیم ، آن را ( سیر: به معنای پر و آگنده ) بخوانیم و یا ( سیر: به معنای همان سبزی معروف ، که برخی « برادر پیاز » میخوانندش ) . در هر دو صورت یادشده ، خواننده برای درک معنای درست آن واژه ، مجبور میشود به « سیاق معنایی » جمله اتکا نموده و مفهوم اصلی را دریابد . گاهی « سیاق معنایی » نیز ، کارگرنمیافتد و گرهی را نمیگشاید ؛ به عنوان مثال ، اگر در نوشته یی بخوانیم : « دیشب

درمهمانی خوب سیرخوردم . « معلوم نیست که نویسنده ی این جمله درمهمانی دیشب غذای کافی خورده است و یا سیر ( برادرپیاز ) نوش جان کرده است . که درهرحال وجود این مشکل بازهم برمیگردد به « نارسایی الفبا » ودلیل آن هم استفاده از الفبای عربیست . درزبان عربی ، ( ی ) به دوشکل تلفظ نمیشود و همیشه باهمان صدای ثقیل وکشیده ادامیگردد ؛ مانند : یقطین yaqtein ، أبابیل ābābeil و مجاری majàrei . بناءً الفبای عربی درطرزتلفظ سخن گویان خویش ، ضرورتی به تعدد نشانه ی ( ی ) نداشته است ؛ مگرزبان ما که تنوع تلفظ ( ی ) را درخود دارد ، متأسفانه برای نوشتن همه گونه هایش ، صرف همین یک نشانه ( ی ) را درفهرست الفبای خویش جاداده است .

## ۵ - تعدد شکلی حروف :

ازانجایی که بیشترین حروف آمده درفهرست الفبا ترکیب پذیرند ؛ همین مسأله سبب شده که شیوه ی نوشتار در زبان پارسی دری باید پیرو قاعده ی ترکیب حروف باشد . پس این قاعده و شیوه سبب شده است که یک حرف درجاهای مختلف ، اشکال و چهره های گوناگون را به خود اختیارکند . به گونه ی نمونه : حروف ( ع ، ه ) ، بنابرموقعیتشان در آغاز ، میان و پایان واژه ، سه شکل مختلف به خود میگیرند ، علاوه بران اگر هریک به گونه ی مستقل نوشته شود ، شکل دیگری نیزبه این مجموعه افزوده میشود ، که درمجموع هریک ازینها چهار شکل وچهره ی گوناگون دارند ، بدینگونه :

ع	ع	ع	ع
ه	ه	ه	ه

این تنوع و تعدد اشکال و وجود چندین نشانه برای یک صدا ، علاوه بران که آموزش ابتدایی الفبا را برای نوآغازان مشکل میسازد ، تازه واردان به قلمرو خوانش را نیز به آشفتگی وامیدارد .

اگر قرار باشد که اشکال مختلف نوشتاری همه حروف را - که هریک کاربرد جداگانه و نمای ویژه ی خود را دارد - به فهرست الفبای خویش علاوه کنیم ؛ این نکته روشن خواهد شد که درحقیقت الفبای ما متشکل از ( ۱۱۵ ) حرف است ، نه از ( ۳۲ ) حرف . درنتیجه اگر کسی میل به فراگیری خواندن و نوشتن زبان دری داشته باشد ، ناچاراست همه ی این ( ۱۱۵ ) شکل رابه حافظه بسپارد. درحالی که پیش ازین شنیده بود ، الفبا متشکل از ( ۳۲ ) حرف است ، نه از ( ۱۱۵ ) حرف . واین خود از نظر روانی تأثیرناگواری به جا گذاشته و درزمینه ی آموزش ابتدایی ، ایجاد دشواری میکند .

- ادامه دارد -

## نارساییها ودشواریهای الفبا

### ۶ - تعدد نشانه ها برای یک صدا :

مشکل دیگری که خواندن و نوشتن را در زبان ما به دشواری مواجه میسازد ، کاربرد چندین نشانه برای یک صداست . ریشه ی این مشکل برمیگردد به وجود حروف ویژه ی عربی ( ث - ح - ص - ض - ط - ظ - ع ) در الفبای ما .

به نمونه های زیرین نگاه کنید :

۱ - دو نشانه ( همزه ، ع ) برای صدای ( â ) ، در واژه هایی ؛ مانند :  
ابر **âa/b/r** و عصر **âa/s/r** .

۲ - دو نشانه ( ت ، ط ) برای صدای ( T ) ، در واژه هایی ؛ مانند :  
تسکین **ta/s/ke/i/n** و طبیب **ta/be/i/b** .

۳ - سه نشانه ( ث ، س ، ص ) برای صدای ( S ) ، در واژه هایی ؛ مانند :  
ثمر **sa/ma/r** ، سنگ **sa/n/g** و صخره **sa/x/ra** .

۴ - دو نشانه ( ح ، ه ) برای صدای ( H ) ، در واژه هایی ؛ مانند :  
حنجره **ha/n/ja/ra** و هوا **ha/wà** .

۵ - چهار نشانه ( ز ، ذ ، ض ، ظ ) برای صدای ( Z ) ، در واژه هایی ؛ مانند :  
زمین **za/me/i/n** ، ذره **za/r/ra** ، ضامن **zà/m/en** و ظاهر **zà/he/r** .

۶ - دونشانه ( ق ، غ ) برای صدای ( Q ) در لهجه ی پارسی سرزمین ایران . درواژه هایی ؛  
مانند : قوی **qa/we/i** و غریبه **qa/re/i/be** .



پس ، اگر برای کسی گفته شود که مثلاً بنویس : ( سزا ) . او میتواند این واژه را به ( ۱۲ ) شکل مختلف بنویسد ، بدین ترتیب :

Á      Á                      Á      Á  
Ý                      Á      Á

و در همه ی این موارد ، نظر به قاعده ی (( مکتوب باید نماینده ی ملفوظ باشد )) نمیتوان بر کسی که اینها را نوشته ، ایراد گرفت ؛ زیرا در همه ی موارد یادشده ، چنان که دیدیم ، صدای ( س و ص = S ) است و صدای ( ز، ذ ، ظ و ض = Z ) . پس مشکل اشتباه نویسی ، ناشی از تعدد نشانه هاست نه چیزی دیگر .

## ۷ - ( ه ) و دشواریهای آن :

برای بیان صدای ( h ) در زبان دری ، سه نوع نشانه وجود دارد ( ح ، هـ ، ه ) . نشانه ی اولی ( ح ) ، که از جمله ی حروف ویژه ی عربی میباشد ، درنوشتن واژه هایی به کار میرود ، که از زبان عربی به زبان ما راه یافته است ؛ مانند : **حسادت** ، **منحرف** ، **اصطلاح** . مگر تلفظ این ( ح ) با ثقلتی که در زبان عربی تلفظ میشود ، در زبان ما تلفظ نمیگردد و صدایش دقیقاً همانند صدایی است ، که نشانه های ( هـ ) و ( ه ) نماینده ی آنست . اما از نظر چگونگی تلفظ ، در زبان ما دونوع ( ه ) وجود دارد :

### ۱ - های ملفوظ :

آنست که هم تلفظ میشود و هم نشانه ی آن بر روی صفحه نوشته میشود . در شکل نوشتاری آن از هر سه نشانه ی ( ح ، هـ ، ه ) استفاده میگردد ؛ مانند :

- ♦ با نشانه ی ( هـ ) و ( ه ) : **هما** /mà/ho ، **میهن** /n/ha/y/ma و **پگاه** /h/gà/pa .
- ♦ با نشانه ی ( ح ) عربی : **حریق** /q/i/re/ha ، **محراب** /b/rà/h/me و **نکاح** /h/kà/ne .

چنانچه مشاهده میشود ، این صدا و نشانه میتواند در آغاز ، میان و پایان واژه قرارگیرد .

## ۲ - های غیرملفوظ :

آنست که تلفظ نمیشود ؛ اما نشانه ی آن ( ه ) نوشته میشود ؛ مانند : نشانه **ne/šà/na/-** ، خانه **xà/na/-** و دسته **da/s/ta/-** .

چنانچه دیده میشود ، این ( ه ) صرف در پایان واژه میاید و برای نشان دادن آن ، تنها از نشانه ی ( ه ) استفاده میگردد و دو نشانه ی دیگر ( ح ، ه ) هرگز درین مورد کاربرد ندارد .

در افغانستان و تاجکستان معمولاً حرفی را که پیش از ( ه ) قرار گرفته ، با فتحه یا زیر { \_ } تلفظ میکنند و مثلاً میگویند : خانه **xàna** ، جامه **jàma** ، لانه **làna** و . . . ؛ اما در ایران حرف ماقبل ( ه ) را با کسره یا زیر { \_ } تلفظ میکنند و میگویند : خانه **xàne** ، جامه **jàme** ، لانه **làne** . . . .<sup>(۱)</sup>

---

<sup>(۱)</sup> درواژه های یادشده و امثال آن ، صورت اصیل تلفظ حروفی که قبل از ( ه ) غیرملفوظ ، قرار گرفته اند ، با نشانه ی فتحه یا زیر میباشد ، نه کسره . دلایل بسیاری هم درین مورد وجود دارد ؛ از جمله : قرنهای قبل از امروز ، هنگامی که بسیاری ازین واژه های اصیل زبان عربی به زبان عربی رفته و معرب گردیدند ، همان حرکت فتحه یا زیر را بازم تا امروز باخود نگاه داشته اند . به گونه ی نمونه : واژه های راهنما ، برنامه ، بنفشه ، بابونه و . . . که همه واژه های اصیل دری اند - پس از رفتن به زبان عربی ، ( ه ) غیر ملفوظ شان به ( ج ) تبدیل شده است ؛ اما حرکت حرف قبلی آن ، که فتحه بوده ، به همان شکل نخستین خویش باقی مانده است . البته این واژه ها پس از تعریب ، چنین شده اند :

راهنماج **ràhnàmaj** ، برنامهج **barnàmaj** ، بنفسج **benafsaj** ، بابونج **bàbunaj** و . . . .

اگر حرکت حرف ماقبل ( ه ) درین واژه ها ، کسره یا زیر میبود ، باید این واژه ها در زبان عربی نیز راهنماج **ràhnàmej** ، برنامهج **barnàmej** ، بنفسج **benafsaj** ، بابونج **bàbunej** و . . . میشدند .

دیده میشود که صورت اصلی تلفظ این واژه ها تا هنوز در زادگاه و پرورشگاه زبان دری حفظ شده است ؛ اما وقتی این واژه ها به سرزمین ایران رفته اند ، درانجا دچار تغییر گردیده اند . همچنان که اصالت کاربرد صیغه ی امری افعال در گفتگوهای روزانه ی مردم شهر ( تاشقرغان ) در شمال افغانستان . که میگویند : خور ، رو ، گیر ، زن و . . . که در گذر زمانه ، یک ( ب ) تأکید در آغاز هریک آنها علاوه نموده و آن را بخور ، برو ، بگیر ، بز و . . . خوانده اند .

درحقیقت نشانه ی تلفظ همه ی اینگونه واژه ها در هر دو نوع آن ( افغانی - تاجکی و ایرانی ) زبر { َ } و زیر { ِ } است ، نه ( ه ) ؛ اما از آنجایی که نشانه ی فتحه و کسره در نوشتن از قلم میافتد ، واژه های یادشده به شکل خان ، جام ، لان و ... ظاهر میشوند ، که در آنها التباس معنایی صورت میگیرد . پس ناچار نشانه ی ( ه ) را به منظور زنده نگهداشتن صدای فتحه یا کسره در پایان اینگونه واژه ها علاوه نموده اند ، که سبب پیدایش گونه های بسیاری از ناهنجاریهای املائی شده است .

حال ببینیم که این ( ه ) غیرملفوظ ، چه ناهنجاریهایی را در عرصه ی املائی ما به میان آورده است .

هنگامی که واژه های پایان یافته با ( ه ) غیرملفوظ در حالت اضافی ، نسبتی ، وصفی و ... قرار میگیرند ، دستور جامع و مانعی برای نوشتن درست آنها وجود ندارد . ازینرو هرنویسنده ، نظربه ذوق و سلیقه ی خویش ، نشانه یی به دنبال آن میافزاید یا اصلاً چیزی علاوه نمیکند و یا در جاهای مختلف هر دو شکل آن را به کار میبندد . بناءً عدم موجودیت قاعده یی مشخص درین مورد ، سبب شده است ، سه چهره ی ناهمگون در شکل نوشتاری اینگونه واژه ها پدید آید :

۱ - گروهی از مردم در همه حالات ( اضافی ، وصفی و نسبتی ) نشانه ی همزه ( به شکل عربی آن { َ } ) را ، به منظور افاده ی حرکت ( ه ) غیرملفوظ ، بر بالای جزء پایانی اینگونه واژه ها مینویسند ؛ همانند :

خانه + َ = خانَه + خدا = خانَه خدا

آشیانه + َ = آشیانَه + سوخته = آشیانَه سوخته

کوزه + َ = کوزه + استالفی = کوزه استالفی

۲ - گروه دیگری ، نشانه ی ( ی ) را ، به همان منظور قبلی ، پس از ( ه ) غیرملفوظ مینویسند ؛ همچون :

خانه + ی = خانه ی + خدا = خانه ی خدا

آشیانه + ی = آشیانه ی + سوخته = آشیانه ی سوخته

کوزه + ی = کوزه ی + استالفی = کوزه ی استالفی

۳ - گروه سوم ، هیچگونه نشانه یی بران نمیافزایند ویکراست مینویسند :

خانه + خدا = خانه خدا

آشیانه + سوخته = آشیانه سوخته

کوزه + استالفی = کوزه استالفی

حال اگر هریک ازین سه شکل نوشتاری را مورد غور و بررسی قراردهیم ؛ دیده میشود

که هیچیک ازانها دقیق و درست نیست :

( ۱ ) درمورد گروه نخست :

نوشتن همزه ( به شکل عربی آن { ء } ) بر بالای ( ه ) غیرملفوظ به دو دلیل درست

نیست . نخست این که ، همزه با این شکل و چهره { ء } جزء الفبای ما نبوده و از آن ما

نیست . پس نوشتن همزه بر روی واژه های دری - به سبب نداشتن نشانه ی نوشتاری - بدان

میماند ، که مثلاً ما در زبان انگلیسی بنویسم : [AFغANISTAN](#) .

دلیل دوم این که نشانه ی همزه { ء } ، نماینده ی همان صدای مخصوص خودش

است . ثقیلتر و با فشارتر از صدایی که ما درمورد یادشده از خویش بروز میدهیم ؛ مثلاً ما

میگوییم : خانه + ( صدا ی بدون نشانه ) + خدا = xàna-**yea**-xodà ( که ترکیبی است ، از

خفیفترین صورت صداهای ( y + e + a ) و ما نمیگوییم : xàna-**âe**-xodà یا xàna-**âea**-

.xodà

ویا ما میگوییم : حشره + ( صدای بدون نشانه ) + شبتاب **hašara-yea-šabtàb** و نمیگوییم :  
**hašara-âe-šabtàb** و یا **hašara-âea-šabtàb** .

( ۲ ) درمورد گروه دوم :

نوشتن نشانه ی ( ی = y ) پس از ( ه ) غیرملفوظ ، نیز دو ایراد دارد : نخست این که ،  
برعلاوه ی زیرپا گذاشتن قاعده ی ترکیب حروف ، برزیبایی شکلی نوشتار لطمه وارد نموده و  
چشم انداز نامتناسبی را عرضه میدارد ( به ویژه هنگام تایپ نشانه ی ( ی ) با کمپیوتر ، که  
فاصله ی سفید دوکنار ( ی ) چشم را میازارد ) . و ایراد دوم ، چنانکه گفتیم : ما مثلاً  
میگوییم و تلفظ میکنیم : پرنده + ( صدای بدون نشانه ) + آبی = **parenda-yea-àbi** و  
نمیگوییم : **parenda-yei-àbi** و یا **parenda-ie-àbi** . و یا مثلاً میگوییم : ستاره + ( صدای  
بدون نشانه ) + چوپان = **setàra-yea-čupàn** و نمیگوییم : **setàra-yei-čupàn** و یا  
**setàra-ie-čupàn** .

نوشتن ( ی ) پس از ( ه ) غیرملفوظ در تلفظ با لهجه ی فارسی ایران ، از نظر دستوری ،  
شاید ایرادی نداشته باشد ؛ چون درانجا حرف ماقبل ( ه ) غیرملفوظ را همیشه مکسور تلفظ  
میکنند و مثلاً میگویند : **parande-yea-àbi** و یا **setàre-yea-čupàn** ، وصل نمودن صدای  
( ی = y ) پس از کسره ( e = { ِ } ) ایرادی ندارد ؛ زیرا هر دو از یک خانواده اند و کسره  
خود نیز نماینده ی حرف ( ی ) به شمار میآید . اما علاوه نمودن نشانه ی ( ی = y ) پس از  
( ه ) غیرملفوظ ( در تلفظ بالهجه ی دری افغانستان و تاجکستان ) از نظر دستوری درست  
نیست ؛ زیرا حرکت ماقبل ( ه ) غیرملفوظ درینگونه واژه ها فتحه ( a = { َ } ) است ، که  
خود نمایندگی از ( الف ) دارد . پس یکجا کردن دونوع صدای ناهمگون ( ی = y + فتحه =  
a ) نوعی از تصادم را به وجود میآورد ، که باعث ترکیب نامتجانس صداهای هر دو میشود .  
( ۳ ) درمورد گروه سوم :

نوع سوم آن ، که نوشتن واژه های یادشده به شکل : خانه خدا ، آشیانه سوخته و کوزه  
استالفی ( بدون هیچگونه نشانه ) ، اصلاً درست نیست و نباید این شیوه را به کار بست .  
بنابراین از خیر ذکر مجدد آن درینجا صرف نظر میکنیم .

ناگفته نباید گذاشت ، که مشکل نوشتن واژه های پایان یافته با ( ه ) غیرملفوظ ، صرف درحالات یادشده خلاصه نمیشود ؛ بلکه موارد دیگری را نیز شامل میشود . ازجمله : هنگام پیوند با پسوندها ، بازهم عدم موجودیت نشانه و قاعده یی مشخص درینگونه موارد ، تنوع چهره های نوشتاری به میان میآورد . به گونه ی مثال ، درنمونه های :

خورده <b>ای</b>	خورده <b>ئی</b>	خورده <b>یی</b>
شهبزاده <b>ای</b>	شهبزاده <b>ئی</b>	شهبزاده <b>یی</b>

کدام یک شان را میتوان درست گفت ؟ هیچکدام ! پس درصورتی که نشانه ی مشخصی درمیان نباشد ، چه میتوان کرد .

### تذکر :

درچاپ اول کتاب **دستورسخن** ( اثرهمین قلم ) آمده است ، که برای بیان حرکت ( ه ) غیرملفوظ درحالات اضافی ، وصفی و نسبتی به جای نشانه ی همزه ی عربی { ء } ازنشانه ی کسره ی اضافه باید استفاده نمود . درانجا نشانه یی هم به همین منظور ارائه شده بود ، با دو انحنای دردو جهت مخالف و به کوچکی همزه ی عربی ، که چنین شکلی داشت : ( ء̣ ) . همچنان درکتاب یادشده ، صورتهای درست و نادرست نوشتاری برخی از واژه هارا چنین نگاشته شده است :

<b>نادرست</b>	<b>درست</b>
شرارهٔ آتش	شراره آتش
افسانهٔ عشق	افسانه عشق
بوسهٔ آبدار	بوسه آبدار

و نیزهمانجا آمده بود : (( هرچند این نشانه درمطابع کشورما وجود ندارد ، تا ازان درمقاصد طباعتی کارگرفته شود ؛ ولی امیدواریم درآینده این نشانه پدید آمده و جای همزه ی عربی را اشغال نماید ؛ اما این نشانه را درنوشته های قلمی باید جداً مدنظرداشت . . . . ))

با آنکه این شیوه و این نشانه مورد قبول قرار گرفت و تعداد زیادی از مردم با آن کنار آمده ، سالهای سال درنوشتار قلمی خود آن را به کار برده اند و میبرند ؛ اما امروز که سالیان درازی از چاپ نخستین ( دستور سخن ) میگذرد ، هنوز دو مشکل عمده فرا راه رد یا قبول این نشانه قرار دارد :

♦ مشکل نخست آن که : نشانه ی کسره ی اضافه ( ؤ ) جزء فهرست حروف الفبا نیست و کاربرد آن درنوشتار ، مانند نشانه ی همزه { ء } مشکل قانونی دارد . فرض کنیم این نشانه مقبول دانشمندان افتاد و درفهرست الفبا جا گرفت ، باز دیده شود که آیا این نشانه ، موارد کاربرد دیگری غیر ازین نیز خواهد داشت ؟

♦ مشکل دوم کسره ی اضافه ( ؤ ) آنست که ، میتوان آن را صرف درنوشته های قلمی به کار گرفت . حال اگر کسی بخواهد باماشین تحریر بنویسد و یا نوشته یی را با برنامه های کمپیوتری تایپ کند ، ممکن نخواهد بود آن را به روی صفحه بیاورد ؛ زیرا چنین نشانه یی جزء انواع برنامه های نوشتاری کمپیوتر نیست . اینجاست که باز برمیگردیم به همان جایگاه آغازین و همان مشکل قبلی ، یعنی : (( نارساییها و دشواریهای الفبا )) .

بناءً به کارگرفتن نشانه ی { ی } - درحالات وصفی ، اضافی ، نسبتی و ... واژه های پایان یافته با { ه } غیر مملووظ و یا پیوند آنها با برخی از پسوندها - عجالتاً بهتر خواهد بود ، چون جز این چاره یی نیست . هرچند میدانم که این شیوه نیز - نظربه دلایلی که قبلاً درمورد آن صحبت کردیم - درست نیست ؛ اما برای به کارگیری آن دو دلیل عمده وجود دارد : نخست آن که نشانه ی { ی } جزء حروف پذیرفته شده در فهرست الفباست . و دلیل دوم : سهولت به کارگیری آن در همه شیوه های نوشتاریست . بدین معنی که ، میشود آن را هم در دستنویسی به کار گرفت و هم درنوشتن با ماشین تحریر و کمپیوتر . با یاد دوباره ی نادرست بودن موقعیت به کارگیری آن ، من خود نیز ناچار به پیروی از همین شیوه شده ام .

## ۸ - دشواریهای نوشتاری حروف :

برعلاوه ی آنهایی که به شمارش گرفتیم ، دشواریهای شکلی و ترکیبی بعضی از حروف به نارساییهای قبلی افزوده ، به ویژه امر آموزش را با مشکلاتی مواجه ساخته است ، که نمونه هایی از آن را چنین برمی شماریم :

۱ - درنوشتن برخی از واژه ها ، ناچاریم ترکیب حروفی را به کارگیریم که هر یک شان دارای چندین دندانه و چندین نقطه اند . پس از نوشتن واژه با حروفی ازین گونه ، متوجه میشویم که توالی دندانه های متعدد و قرارگرفتن چندین نقطه در زیروبالای آن ، نیروی دید را وادار میکند که لحظاتی را صرف شمارش دندانه ها و نقطه ها کند . البته این مشکل درجریان آموزش نوآغازان بیشتربه وقوع می پیوندد و کارآزمودگان نیزگاهی از آن مصؤون نتوانند بود ، که برای رفع آن ، سالها تجربه و تمرین لازم است . به گونه ی نمونه واژه های « شیشه » با هفت دندانه و هشت نقطه ، « شپش » با هفت دندانه و نه نقطه و « نشستن » با هشت دندانه و هفت نقطه ، سهولت خواندن و نوشتن را از میان برمی دارد .

۲ - حروف از سمت راست به چپ نوشته میشود ؛ اما ارقام از سمت چپ به راست ، که این خود ازیکسو سبب میشود هنگام تایپ با ماشین تحریر ، ایجادمشکل کند و ازسوی دیگر برخی از نوآغازان مثلاً : ( ۵۷۳۲ ) را از راست به چپ خوانده و بگویند : دوهزاروسه صد و هفتاد و پنج .

۳ - همه میدانیم که در زبان ما واژه ها از ترکیب و به هم پیوستن حروف باید به میان آیند ؛ زیرا مبنای نوشتاری این زبان براساس همان ترکیبی بودن بنا نهاده شده است و ازسوی دیگر بیشترین حروف آمده در فهرست الفبا ترکیب پذیرند . پس اگر بخواهیم مثلاً بنویسیم : « افغانستان » ، باید همه حروف ترکیب پذیر را به صورت پیوسته بنویسیم ، نه به صورت : « ا ف غ ا ن س ت ا ن » . اما در فهرست الفبا ، حروف دیگری نیز داریم که ترکیب ناپذیرند ؛ مانند : ( ا ، د ، ذ ، ر ، ز ، ژ ، و ) . بناءً درست نویسی با الفبایی که برخی از حروف آن ترکیب پذیرند و بعضی ترکیب ناپذیر ، مستلزم مدتها تجربه و تکرار و تمرین خواهد بود . به ویژه که



هریک از حروف این الفبا، نظریه جایگاه خویش در یک واژه، شکل‌های گوناگونی را به خویش میگیرد.

۴ - تنوین نیز مشکل دیگریست که همسویی گفتار و نوشتار را در زبان ما، برهم زده است؛ زیرا کاربرد دونوع نشانه‌ی نوشتاری برای یک نوع صدا، نه تنها نویسنده و خواننده‌ی تازه کار را به تردد و امیدارد، که امرآموزش را نیز دچار هرج و مرج میسازد.

اصولاً باید واژه‌هایی؛ همچون: اصطلاحاً، عجالاً، ضرورتاً و... را که (اصطلاحاً)، (عجالاً)، (ضرورتاً) و... تلفظ میکنیم، باید پایان آنها را با (ن) بنویسیم، تا مطابقت گفتار و نوشتار در زبان حفظ شود؛ اما چه توان کرد، که این مشکل قرن‌هاست گریبان زبان نوشتاری را در کف دارد.

## ۹ - دشواریهای ساختاری واژه‌ها :

در زبان‌هایی که از حروف لاتین به منظور نوشتن استفاده میشود، کفایت که چند حرف را پهلوئی همدیگر قرار دهند، تا یک واژه تشکیل شود. ترکیب حروف کوچک و بزرگ نیز دران زبانها ایرادی ندارد؛ مثلاً: میشود واژه‌ی (mountain) را با سه شکل زیرین نوشت:

◆ MOUNTAIN (با حروف بزرگ).

◆ mountain (با حروف کوچک).

◆ Mountain (با ترکیب حروف کوچک و بزرگ).

اما در دستور نوشتاری ما، پیوند دادن حروف به یکدیگر امریست الزامی، و چیدن حروف در کنار هم - به منظور تشکیل یک واژه - گناهیست نابخشودنی. پس اگر بخواهیم واژه‌های (عشق) و (نفرت) را با قراردادن حروف دکنار هم و به شکل (عشق) و (نفرت) بنویسیم، غلط محض خواهد بود و هیچ آدم عاقلی پیدا نخواهد شد که آن را به حیث یک واژه بپذیرد.

باتوجه به گفته های بالا ، بازمیبینیم که الفبای ما برای ترکیب حروف قواعد خاص خود را دارد ، که خالی ازدشواری نیست ؛ به شرح زیر :

۱ - بسیاری ازحروف آمده درفهرست الفبا ، دارای دوشکل کوچک و بزرگ هستند ؛ مانند : « **ق** » و « **ق** » ، که هنگام ترکیب ، هریک از آنها باید به جایگاه ازقبل تعیین شده ی خویش قرارگیرد .

۲ - تعدادی ازین حروف ، نظربه موقعیت شان درآغاز ، میان ، پایان و به شکل مستقل دریک واژه ، چهارشکل مختلف را خود میگیرند ؛ مانند : « **ع** » ، « **ع** » ، « **ع** » و « **ع** » . که نمیشود هیچ یک ازین چهره های چهارگانه را یکی به جای دیگری استفاده نمود .

۳ - الف با دوشکل نوشته میشود : « **ا** » و « **ا** » .

۴ - همزه ، سه شکل نوشتاری دارد : « **ئ** » ، « **ا** » و « **ء** » .

۵ - حروف ( **ا** ، **آ** ، **ا** ، **ر** ، **ز** ، **ژ** ، **د** ، **ذ** ، **و** ) یک شکل دارند و با حرف بعدی پیوند ناپذیرند .

۶ - حروف پایانی بسیاری از واژه ها باید با شکل بزرگ آن نوشته شود ؛ مانند : **بلبل** ، **گلشن** ، **درخت** و **جنگل** .

۷ - حروف پایانی بسیاری از واژه ها ، با توجه به ترکیب ناپذیری حروف قبلی شان ، باید به شکل مستقل نوشته شوند ؛ مانند : **مقبول** ، **سختکوش** ، **منجلاب** و **نگهبان** .

۸ - حروف ویژه ی عربی را نمیتوان به جای حروف پارسی ویا برعکس کارگرفت ، هرچند که صدا در تلفظ یکسان باشد ؛ مثلاً : نمیتوان « اصطلاح » را « استلاه » و « بهار » را « بحار » نوشت .

اینجاست که نتیجه میگیریم ، نارساییهای الفبای ما ازیکسو قاعده ی کلی ترکیب را برهم زده و سهولت درامر آموزش را از میان برمیدارد ، و ازسوی دیگر امکان کوتاهنویسی های علمی را - که در امرآموزش سریع بسی مؤثر است و امروز درغرب به گونه ی وسیع ازان استفاده میشود - ازما میگیرد .

## ۱۰ - دشواریهای کاربرد الفبا در کمپیوترانترنت :

همه میدانیم که نخستین گام برای ایجاد ( داده های نوشتاری در کمپیوتر ) ، استفاده از صفحه کلید است و سپس ذخیره یا انتقال آنها بنا بر ضرورت . در زبانهایی که از حروف لاتین استفاده میکنند ، این روند به سادگی انجام میپذیرد ؛ اما استفاده از الفبای ما بدین منظور ، مشکلاتی را فراراه آن ایجاد میکند که سهولت آموزش ، خواندن و نوشتن را به نابدی میکشاند.

هرچند این بحثی است جداگانه و دنباله دار ، که نمیشود همه ی موضوعات آن را درین مقال به بحث گرفت ؛ اما وقتی از دشواریهای الفبا سخن میگوییم ، ناگزیریم گوشه هایی از دشواریها و محدودیتهای کاربرد الفبا در کمپیوتر و انترنت را ( که بیشتر بخش تخنیکی آن را دربرمیگیرد ) نیز به بحث گیریم . پس به منظور کوتاهی سخن ، نمونه های مختصری از آن را چنین ذکر میکنیم :

۱ - عدم موجودیت نشانه های حروف الفبای پارسی دری بر روی اکثریت صفحه کلیدها و دشواری دسترسی به صفحه کلیدهایی با نشانه های حروف دری و یا دوزبانه در بیشتر نقاط جهان ، که این خود سبب ایجاد دشواری در مسیر آموزش تایپ با حروف الفبای ما میشود .

۲ - تغییر موقعیت برخی از حروف بر روی صفحه کلید در کاربرد سیستمهای عامل مختلف ( WINDOWS ) ؛ مثلاً هنگام کار با سیستم عامل ( WINDOWS - 98 « فارسی شده » ) ، جایگاه حرف « پ » در نخستین دکمه ی سمت چپ ردیف اول صفحه کلید قرار دارد ؛ اما در ( WINDOWS - XP ) در نخستین دکمه ی سمت راست ردیف دوم .

۳ - عدم موجودیت امکانات تایپ مستقیم الفبای ما با برخی از سیستمهای عامل ( WINDOWS ) ؛ همچون : ( WINDOWS - 3.1 ) ، ( WINDOWS - 95 ) ، ( WINDOWS - 98 ) و ( WINDOWS - 2000 ) .

۴ - وقتی یک سند ( File ) با حروف دری در کمپیوتر ذخیره شود ، در صورت تغییر سیستم ، با کمپیوتری دیگر نمیشود آن را به سهولت باز کرد .

۵ - در بسیاری از برنامه های کمپیوتری ، نمیشود حروف پارسی دری را مستقیماً به کارگرفت ، که برای برآورده شدن این هدف ، به نرم افزارهای جانبی نیازمیافتد .

۶ - درتبادلله ی نامه های الکترونیکی ، اگرسیستمهای کمپیوتری فرستنده وگیرنده یکسان نباشد ، همه ی حروف تغییرشکل مییابد و اشکال و حروف درهم وبرهمی برروی صفحه ظاهر میشوند ، که درنتیجه خوانش نامه را ناممکن میسازد .

و . . . . و . . . . و . . . .

این بود نمونه هایی بسیارمختصر ازدشواریهایی که دراثر ناسازگاری کمپیوترعصرجدید با الفبای باستانی ما به میان آمده ومارا به دردسر انداخته اند .

درپایان باید گفت ، که برعلاوه ی موارد یادشده ی « نارساییها و دشواریهای الفبا » ، موارد کوچک و بزرگ دیگری نیز وجود دارند ، که کوچک ها را نادیده انگاشته ، به امید دنبال نمودن بزرگان شان دربحثهای بعدی ، سخن خویش را درهمینجا به انجام میبریم .

- پایان -